

مشکل ایران و آمریکا و ضرورت یک توافقنامه جهانی

اختلاف میان ایران و آمریکا تنها یک اختلاف دوجانبه نیست، بلکه بخشی از تقابل گسترده‌تر میان دو رویکرد متفاوت در سیاست، اقتصاد و حکمرانی جهان به شمار می‌رود. این دیدگاه بر این باور است که ریشه اصلی اختلاف، تفاوت مبانی فکری میان نظام‌های سوسیالیستی و مردمی با نظام‌های لیبرالیستی و امپریالیستی است.

کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، اصول و الگوهای مبتنی بر عدالت اجتماعی و سوسیالیسم را نمی‌پذیرند؛ زیرا ساختار فکری و سیاسی آنان بر پایه لیبرالیسم و حفظ منافع و نفوذ بین‌المللی و سلطه شکل گرفته است. در مقابل آنها کشورهایی مانند چین و روسیه هستند که در چارچوب نظام‌های سوسیالیستی و مردمی قرار می‌گیرند که غرب و آمریکا آنها را در جبهه مقابل خود تلقی کرده و به‌عنوان رقیب یا تهدید می‌نگرند.

ایران نیز به‌دلیل قرار گرفتن در جبهه نظام‌های سوسیالیستی، مردمی و دموکراتیک در تقابل با آمریکا قرار گرفته است. بنابراین، تا زمانی که میان قدرت‌های اصلی دو اردوگاه چین و روسیه از یک سو و آمریکا و متحدانش از سوی دیگر، تفاهمی پایدار و جامع شکل نگیرد، دستیابی ایران و آمریکا به یک توافق دائمی و فراگیر برای پایان دادن به جنگ، اختلافات و تنش‌ها دور از انتظار خواهد بود.

بر همین اساس پیشنهاد می‌شود کشورهای دارای رویکرد سوسیالیستی و مردمی، از جمله ایران، چین و روسیه، با تشکیل یک جبهه هماهنگ، مذاکراتی فراگیر با کشورهای غربی به رهبری آمریکا آغاز کنند تا زمینه دستیابی به یک **توافقنامه جامع جهانی** فراهم شود. بنابراین تا پیش از شکل‌گیری چنین توافقی میان دو جبهه، مذاکرات دوجانبه ایران و آمریکا نمی‌تواند به راه‌حلی پایدار و نهایی منجر شود.

در صورت تحقق و امضای چنین **توافقنامه جهانی** ایران نیز خواهد توانست در چارچوب اصول و تعهدات آن و حسب ضرورت با آمریکا یا هر کشور دیگری که با آن اختلاف دارد، وارد گفت‌وگو، مذاکره و تفاهم شود.